

اولین دیدار با آخرین نخست‌وزیر



مسیح مهاجری

مدیرمسئول روزنامه
جمهوری اسلامی

ساعت ۵ عصر روز چهارشنبه اول مردادماه جاری با مهندس میرحسین موسوی و خانم دکتر زهرا رهنورد در منزل خودشان که محل حضر آنهاست دیدار کردیم. دیدارکنندگان، آقایان رضا آقازاده وزیر اسبق نفت، سیدمحمدرضا بهشتی استاد دانشگاه و فرزند شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی و من بودیم. این اولین دیدار با آخرین نخست‌وزیر ایران بعد از محصور شدنش به دنبال وقایع سال ۱۳۸۸ بود. پزنشکان، مسئولان حفاظت و در سال‌های اخیر فرزندان و بستگان نزدیک با ایشان دیدار داشتند ولی دیدار دوستان میسر نبود. مدت‌ها بود که ما سه نفر به عنوان دوستان نزدیک مهندس موسوی درصدد دیدار با ایشان بودیم ولی میسر نمی‌شد. فراهم شدن امکان این دیدار به نظر می‌رسد از نتایج تحولات یک‌ماه اخیر است.

بدون آنکه درصدد قضاوت باشم و بخواهم قاصر و مقصر و بی‌تقصیر معرفی کنم، لازم می‌دانم این اعتقاد قلبی خود را بگویم که بسیار حیف بود کشور سال‌ها از خدمات انسان‌های صاحب فکر، صاحب‌نظر و خدومی مانند میرحسین موسوی و مهدی کروبی محروم بماند. آنها می‌توانستند این بخش پربارزده عمر خود را که در حضر سیری شد برای اعتلای کشور به کار بگیرند و با استفاده از اندوخته‌های خود به مردم خدمت کنند. اکنون نیز کشور به این سرمایه‌های فکری که گنجینه‌هایی از تجربیات ارزشمند هستند نیاز دارد و در شرایط خاص و استثنائی کنونی، بهره بردن از اندوخته‌های آنان برای حل مشکلات کشور یک ضرورت است.

مهندس میرحسین موسوی و خانم رهنورد را در این دیدار درست همانند سال‌های قبل از وقایع ۸۸ عاشق اسلام، عاشق مردم، عاشق ایران و عاشق امام خمینی یافتم. در اطاق پذیرایی خانه بسیار قدیمی آنها که دیوارهایش پر از نقاشی‌های نوه‌هایشان بود قاب عکسی از امام خمینی دیدیم که عکسی از شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی در داخل آن قاب بود و به تعبیر خانم رهنورد گویی امام آقای بهشتی را در آغوش گرفته است. بیشترین پیامی که این عکس به ما می‌داد این بود که پیوند نخست‌وزیر مورد علاقه امام خمینی با پیشوای بزرگ انقلاب اسلامی همچنان برقرار است و دچار هیچ خللی نشده است.

از حال جسمی مهندس موسوی پرسیدم، گفت خدا را شکر غیر از پیری عارضه‌ای ندارم. در گفت‌وگویی که به مدت حدود دو ساعت داشتیم، این زوج صبور، با آرامش، روحیه‌ای متوکل و ذهنی کاملاً دقیق صحبت کردند و لحظه به لحظه خدا را شکر می‌کردند. آرام حرف می‌زدند ولی حساب‌شده و مسلط بر شرایط و واقعیت‌ها و اوضاع زمانه. احوال دوستان مشترک را پرسیدند و برای درگذشتگان طلب مغفرت و رحمت الهی کردند. به مناسبت شهادت سپهبد محمدباقری در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی بر ایران، مهندس موسوی از او تمجید کرد و از برادر بزرگترش شهید غلامحسین افشردی (باقری) که در اولین سال‌های فعالیت روزنامه جمهوری اسلامی خبرنگار این روزنامه تحت مدیریت آن زمان مهندس موسوی بود خاطراتی نقل کرد؛ بهویژه از صحنه‌هایی که خودش در اطاق فرماندهی جنگ در جبهه دیده بود و از نبوغ غلامحسین افشردی با جزئیات سخن گفت. تهاجم آمریکا و اسرائیل به ایران در جنگ ۱۲ روزه را جنایتی که مقتضای خوی آنهاست دانست و معتقد بود وحدت و انسجامی که در کشور به وجود آمده باید تقویت شود تا قدرت ایستادگی در برابر این دشمنان افزایش یابد.

دیدار ما، صرفاً دوستانه بود، ادامه جلسات هفتگی که در دوران تصدی وزارت خارجه و نخست‌وزیری آقای موسوی با او داشتیم و در آن جلسات مرحومان دکتر جواد اژه‌ای و ابوالقاسم سرحدی‌زاده نیز در جمع ما بودند و مهندس موسوی یاد آن دو عزیز را هم گرامی داشت. ما هیچ پیامی از هیچ‌کس و هیچ‌جا برای او نداشتیم و غیر از احوال‌پرسی و سخنان دوستانه و یادکرد گذشته مطلبی نگفتیم جز اینکه مایل هستیم جامعه از وجود او بهره‌مند باشد. او هم صحبت‌های دوستانه و یادآوری صداقت‌ها و صمیمیت‌های گذشته را بر مباحث سیاسی ترجیح داد و اصرار داشت به ما بگوید «از شما چیزی نمی‌خواهیم، از دولت و حکومت چیزی نمی‌خواهیم، از هیچ‌کس هیچ خواسته‌ای نداریم و تنها آرزویمان این است که سیاست‌ها طوری باشند که کشور به طرف ثبات و رشد و آرامش به پیش برود و سعادت مادی و معنوی مردم تأمین شود تا طمع تجاوز به ایران به ذهن دشمنان نرسد». آرزوی ناممکنی نیست، او در دوران نخست‌وزیری که همزمان با دفاع مقدس ۸ساله بود توانست همین کار را انجام بدهد.

تحلیل گفتار



عکس: ایرنا

اصلاحات ضروری است

بررسی و تحلیل آنچه نظریه پردازان سیاسی درباره ایرانِ پسا جنگ گفته‌اند

و اغراض نهان هر یک ببینند، و نیازمند سیاست‌پیشگانی است که شجاعت برون‌آیندن از غار زیست‌جهان (غار ذهنی و ادراکی و شناختی و مفهومی و ایدئولوژیک) خویش را دارند.

۲ پرهیز از تسروی: او که از آتش‌بس با ایرانیان حرف زده بود، برای این موضوع پیش‌شرطی را قرار می‌دهد که به درون سیستم برمی‌گردد. او می‌گوید ابتدا باید سیستم درون خود اعلام آتش‌بس کند تا بتواند سراغ بیرون برود. این آتش‌بس را می‌توان دوری از تسدروی دانست. در این ارتباط می‌نویسد: «لازمی تحقق آتش‌بس نخست، آتش‌بس با آن «خود»ی است که به آتش و آتش‌افروزی خوگر شده است. تا زمانی که اصحاب قدرت از خود پاک نسانند دل و خود از خود تهی نشوند، تا زمانی که از خویش امتناع و تخطی نکنند، و نیز، تا زمانی که عرصه‌ی سیاست و قدرت را از رادیکال‌های ارتدوکس مشرب پاک نگردانند، تفاوتی در لیل و نهار مردمان ایجاد نخواهد شد.»

۳ آشتی ملی بدون بازگشت: یکی از موارد مهم دیگر که از سبوی تاجیک درباره پسا‌جنگ مطرح شده، این است که باید آشتی ملی ایجاد کرد ولی مهم‌تر این است که نباید اینگونه شود که روزی که آرامش برگشت، در بر همان پاشنه قبلی بچرخد و سیستم یادش برود که وضعیت چگونه بوده است. او می‌نویسد: «حکم تئوری بقاء به اهالی قدرت امروز ایران‌زمین این است که به آشتی ملی به مثابه یک امر و کنش استراتژیک و نه تاکتیکی بنگرند، و چون گردها خوابید و شب رفت و روز فرا آمد، دوباره برنگردند به اصل خویش و هوس مهلت خمیازه‌ی تاریخی دیگر نکنند... از غار تنگ و تاریک گفتمانی خویش بیرون آیند و جهان‌بیرون غار را با تماشای تفاوت و بداعت و تکرر و تخالفش، پذیرا باشند، و بی‌دیند آشتی ملی یعنی به‌رسمیت شناختن کثرت‌ها، و نیز، بی‌دیند بر شرایط کنونی، تنها در یک موقعیتی با وضعیت تاسیسی می‌توان به حفظ وفاق و انسجام‌ملی اندیشید.»

۴ به عمل کار برایند: محور دیگری که مورد اشاره تاجیک قرار گرفته این است که حاکمیت باید از سطح حرف زدن فراتر رفته و وارد فاز عملیاتی شود تا جامعه این موضوع را متوجه شود که میل به تغییر و تلاش برای آن وجود دارد. او می‌نویسد: «امروز، جامعه‌ی ما، سیاست و حکومت زیبا را پیمودنی می‌خواهد، نه نمودنی، عملی می‌خواهد، نه گفتنی. سیاست زیبا، آن است که مردم زیبایی آن را در تمامی دقایق زندگی روز‌مره‌ی خود تجربه می‌کنند. سیاست زیبا، از جنس تدبیر است: جزئی از راه‌حل مشکلات است، ممکن کردن ناممکنات است، آفرینش گر زندگی به‌مثابه یک اثر هنری است، گشوده به‌روی نقد و تغییر و امر نو است، کاستن از دشمنی‌ها و افزودن بر دوستی‌ها است، تدبیرگر کارهای بزرگ و مهمات جلیل است، و شورشی است علیه چهل و حمق یا تجاهل و تحامق و خافل و عاقل و باطل و خفص و رفیع (برداشت و فروداشت. فرودآوردن و بالا بردن. ترقی‌دادن و تنزل دادن) ناپه‌نگام.»

محمدجواد غلامرضا کاشی



پس از پایان جنگ، سه یادداشت را در توضیح چگونگی عمل کردن در این دوره در تاریخ‌ها «دهم، ۲۰ و ۳۰ تیر» در کانال تلگرامی‌اش منتشر کرد که محور هر سه یادداشت منتشرشده، تأکید بر تغییر ارتباط حاکمیت با مردم بوده است. با

۳ کنار گذاشتن شعارزدگی: یکی دیگر از مواردی که حجاریان مطرح کرده، این است که باید تندروهایی که از دل شعارها و ایدئولوژی‌ها صورت گرفته است را کنار گذاشت. او گفته است: «ایدئولوژی‌زدگی و شعارزدگی را با سرعت کاهش دهیم؛ ملت ایران نه‌تروریست هستند نه آدم‌کش... باید به آتش به اختیارها گفت نگذاردید جای نجیب و نانجیب عوض شود.»

۴ نگاه نو و حل مسئله نفوذ: آخرین محوری که توسط او مورد اشاره واقع شده است، پیرامون ماجرای نفوذ است که توضیح تقریباً کاملی را در این ارتباط مطرح کرده است. حجاریان ابتدا می‌گویند: «باید مسئله نفوذ را درست بفهمیم و با آن برخورد دقیق کنیم. الان، به‌راحتی به افراد بر چسب نفوذی می‌زنند و این کار خطرناکی است. واقعیت این است که نفوذی به‌وقت‌اش ساکت است، و به‌وقت‌اش حرف خود را می‌زند. یعنی باید عمق میدان را دقیق دید و غرق در لحظه نشد.» و در ادامه، برای توضیح بیشتر این ماجرا، به دو موضوع اشاره می‌کند: «باید اجلاً توجه‌ها معطوف به چند مسئله باشد: یکی ریشه افراد است. کسانی که به‌شکل محیرالعقول تغییر ایدئولوژی می‌دهند، یکباره اسلام می‌آورند و مَرکَب عوض می‌کنند، عموماً مطمئن نیستند. دومی عقلانیت است. کسانی که به‌دنبال تضعیف تصمیم‌های عقلایی و ضدعقلانیت جمعی و مشخصاً غیرنهادی هستند، معمولاً مخرب هستند.»

محمد رضا تاجیک

یکی از پرکارترین چهره‌ها در پسا‌جنگ بوده است که طی این مدت سه تحلیل را به ترتیب در تاریخ‌های ۱۱ تیر (منتشر شده در خبرآنلاین)، ۱۸ تیر (منتشرشده در مشق نو) و ۲۸ تیر (منتشرشده در سایت جماران) ارائه کرده است که در بررسی صورت گرفته از این تحلیل‌ها، می‌توان موارد عنوان‌شده از سوی او را در این محورها خلاصه کرد:

۱ آشتی با ایرانیان: شاید مهم‌ترین محوری که توسط محمدرضا تاجیک مورد اشاره قرار گرفته را بتوان همین موضوع دانست. او در تحلیل از سه تحلیلی که منتشر کرده است، به شکل‌های مختلف این محور را ارزیابی کرده است که جداگانه به هر کدام از آنها اشاره می‌کنیم: ۱- در اولین یادداشت، اتحادی که در دوره جنگ ایجاد شده را باشکوه عنوان کرد و پس از آن، با بیان اینکه «توصیه‌ی من به اهالی قدرت «با مردمان دوستی و مهربانی با دیگران مدارا و تدبیر» است.» از اعلام آتش‌بس با ایرانیان داخل و خارج از کشور سخن می‌گوید و می‌آورد: «اگر می‌خواهیم این زیباترین روح وفاق تداوم داشته باشد، اصحاب قدرت باید به امتناع و تخطی از آن چه هستند، و از آن سیاست که می‌ورزند، خطر کنند.» ۲- دومین محور که او مورد اشاره قرار داده است، این بحث است که ایران نیازمند تغییراتی اساسی است که یکی از الزامات این تغییرات، وجود افرادی است که پیش از این از آنها استفاده نشده است. او با ادبیات خاص خودش می‌نویسد: «ایران امروز، بیش و پیش از همیشه نیازمند تحلیل‌ها و تخمین‌ها و تجویزهای منطقی، عقلایی، واقعی و منسجم است، نیازمند ذهن‌ها و چشم‌های آگاه و بینایی است که راز و رمز هر حرکت و ناکرت، گفته و ناگفته، تهدید و تکریم، چرخش و نرمش، صدا و سروصدا، و... را بداندند و اهداف



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

با پایان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل و برقراری آتش‌بس، یکی از موضوعات مهمی که در جامعه مطرح شده، این است که در آینده چه باید کرد و چه طرحی درانداخت که فردا بهتر از دیروز و امروز باشد. در این میان، بسیاری از سیاستمداران طی روزهای جنگ و پس از آن به بیان نظرات و ضرورت‌های حفظ همبستگی و انسجام پرداختند و برخی اندیشمندان سیاست هم دست به کار شده و راهکارهای خود را برای بهبود وضعیت ایران مطرح کرده‌اند. این گزارش راهکارهای ارائه شده توسط ۷ تحلیلگر و اندیشمند را مورد بررسی قرار خواهد داد و در پایان تحلیل می‌کند که از مجموعه آنچه این تحلیل‌گران گفته‌اند، به چه نکات مشترکی می‌توان دست یافت.

در این گزارش، تحلیل‌های این چهره‌ها مورد بررسی قرار گرفته است: «سعید حجاریان (تئوریسین اصلاح طلب)، محمدرضا تاجیک (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در رشته علوم سیاسی)، محمدجواد غلامرضا کاشی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در رشته علوم سیاسی)، حمیدرضا جلایی‌پور (جامعه‌شناس سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، نعمت‌الله فاضلی (عضو هیئت علمی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی)، کیومرث اشترینان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در رشته علوم سیاسی) و علی ربیعی (استاد دانشگاه تهران و دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور).»

سعید حجاریان



ابتدا در تاریخ ۱۷ تیر، به مناسبت دهمین سال حضور مصطفی تاج‌زاده در زندان یادداشتی را برای سایت «مشق نو» نوشت که در بند یابانی این یادداشت، راهکاری را برای برون‌رفت از وضعیت موجود مطرح کرده بود. سپس ۲۳ تیر در مصاحبه‌ای که با روزنامه هم‌میهن داشت، نکته‌هایی دیگر را بیان کرد. در مجموع با بررسی آنچه سعید حجاریان گفته، راهکارهای او را اینگونه می‌توان خلاصه کرد:

۱ مدارا و تحمل در سیاست: به مناسبت دهمین سالگرد زندانی شدن تاج‌زاده، او در پایان یادداشت خود، راه پیش‌رو برای کشور را مدارا و تحمل و حق حضور همه تفکرات در سیاست و عدم مانع‌تراشی در این زمینه عنوان کرد. او اینگونه نوشته بود: «در مقام تجویز می‌توانم بگویم راه عبور از شرایط پیش‌روی کشور، گشودگی، دگرپذیری و احیاء سیاست است؛ سیاستی که شرط لازم‌اش تأکید بر «حق سیاست‌ورزی» است؛ نقطه‌ای که هم عقلانی و عقلایی است و هم قادر است از جمیع جهات افق‌ساز باشد. فی‌الواقع، راه آینده ما از مسیر مطالبه «حق سیاست‌ورزی» می‌گذرد و حق خواهان این مسیر مانند تاج‌زاده از جمله مؤثرترین کنش‌گران خواهند بود؛ چه در عرصه عمومی و چه در ایجاد موازنه در برابر سیاست‌ورزان تفتنی و قاتلان به‌رفع تکلیف.»

۲ حرکت در مسیر برابری: تلاش برای توازن و برابری نکته دیگری است که از سوی حجاریان به عنوان یکی از راهکارها مطرح می‌شود. او در این ارتباط می‌گوید: «بر سطحی از مبارزه با فساد و تبعیض اصرار ورزیم تا شکنجگی از این ناحیه را حداقلی کنیم.»